

تحلیل نابرابری فضاهای جغرافیایی توسعه بین مناطق روستایی مرکزی ایران

مسعود مهدوی حاجیلویی^۱، یعقوب زارعی^۲، مهدی رحمانیان کوشکی^۳، اسماء رخشانی^۴

چکیده

فضاهای نابرابر جغرافیایی که درصد وسیعی از سرزمین کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده است بی شک یکی از تبعات توسعه نابرابر و نامتوازن است که ریشه در توزیع ناعادلانه امکانات دارد. عدم برخورداری از فرصت‌های فضایی برابر می‌تواند منجر به شکافی عمیق بین استان‌ها، شهرها و حتی مناطق روستایی کشور گردد که پیامد آن ظهور فقر، مهاجرت‌های روستا-شهری و به دنبال آن حاشیه‌نشینی، افزایش جرم، فساد، فحشا و غیره خواهد بود.

این پژوهش سعی دارد به تحلیل نابرابری فضاهای جغرافیایی در روستاهای مناطق مرکزی ایران با استفاده از مقالات علمی، کتب و اسناد مرتبط با مساله تحقیق با روشی توصیفی-تحلیلی بپردازد. استان‌های، تهران، قزوین، همدان، یزد و چهارمحال و بختیاری نمونه مورد مطالعه و اطلاعات مربوط به ۸۳ دهستان که با روش تصادفی سیستماتیک انتخاب و جمع‌آوری گردیده‌اند، بعنوان جامعه آماری نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا روند تغییراتی طی مقاطع ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ با استفاده از مدل ضریب جینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نابرابری فضاهای جغرافیایی در مقطع ۶۵ در مناطق روستایی استان یزد با ۰/۴۲، در مقطع ۷۵ در مناطق روستایی همدان با ۰/۳۶ و در سال ۱۳۸۵ در روستاهای استان قزوین با بیشترین ضریب نابرابری طی سه دهه برابر با ۰/۷۹ بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد از شاخص‌های مورد بررسی، بیشترین ضریب نابرابری در سال ۱۳۶۵ مربوط به شاخص‌های اجتماعی، در سال ۷۵ به شاخص‌های ارتباطی و در سال ۱۳۸۵ بیشترین عدم تعادل در دسترسی به خدمات بهداشتی مشاهده گردیده است.

کلید واژه‌ها: نابرابری جغرافیایی، توسعه، مناطق روستایی مرکزی، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۵

Archive of SID

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، ایران- mahdavihaj@yahoo.com

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران- yaghouh.zarei@yahoo.com

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران- Rahmanian.mahdi@yahoo.com

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران- asmarakhshani@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

نابرابری در حوزه‌های مختلف، یکی از بزرگ‌ترین و حادث‌ترین مشکلاتی است که امروزه جهان با آن دست به گریبان است. نابرابری را به معنای برخورداری بیشتر برخی افراد از امتیازات مادی و معنوی در نظام سیاسی یا از قبل نظام سیاسی (علیخانی، ۱۳۸۶، ۶۹) تعریف کرده‌اند که موجبات قطبی شدن شدید ساختار فضایی شهر در اثر سیاست‌های مدیریتی و خلق فضاهای محروم شهری را فراهم می‌کند (خاکپور و باوانپوری، ۱۳۸۸، ۱۹۹). «گوران تربورن سه نوع کاملاً متفاوت از نابرابری را که همگی برای جوامع انسانی ویرانگر هستند این چنین برمی‌شمرد: اولین نابرابری، «نابرابری بهداشت و مرگ و میر» است که باید آن را نابرابری حیاتی نامید. در این مورد، شواهد اندکی وجود دارد که سلامتی و طول عمر، با یک نظم و ترتیب اجتماعی واضح و قابل تشخیص، توزیع شده باشند. کودکان در کشورهای فقیر و طبقات فقیر، به نسبت کودکان در کشورها و طبقات ثروتمند، معمولاً قبل از رسیدن به یک سالگی و بین یک تا پنج سالگی می‌میرند. دومین نابرابری، «نابرابری وجودی» که از آن به نابرابری اجتماعی نیز تعبیر می‌شود آزادی عمل گروه‌های اجتماعی خاصی از افراد، مثل آزادی عمل زنان و سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده در فضاها و عرصه‌های عمومی در قالب تبعیض‌های نژادی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی را مورد بحث قرار می‌دهد. سومین نوع نابرابری، «نابرابری مادی یا منابع» به معنای این است که منابعی که بازیگران انسانی از آنها برخوردارند، بسیار متفاوت است. این نوع نابرابری، دو جنبه دارد: اولین جنبه، دسترسی به تحصیلات، امکانات شغلی، روابط اجتماعی و آنچه که «سرمایه اجتماعی» نامیده می‌شود (در مباحث مجادله‌آمیز معمولاً با اصطلاح «نابرابری فرصت‌ها» از آن یاد می‌شود) است. دومین جنبه، نابرابری در پاداش‌ها است (که معمولاً با عنوان «نابرابری درآمدها» از آن یاد می‌شود). جنبه دوم، بیشتر برای سنجش میزان نابرابری مورد استفاده قرار می‌گیرد که همان توزیع درآمدها و گاهی اوقات ثروت‌ها می‌باشد» (زارعی، ۱۳۹۰، ۲).

مسئله نابرابری در جهان به عنوان دستاوردی تأسف بار در قرون اخیر گریبان گیر ملل مختلف شده است، به طوری که دولت‌ها را در حل این پدیده عاجز ساخته است. این امر در کشورهای جهان سوم نمود بیشتری پیدا کرده است. ابعاد نابرابری در جهان علنی می‌باشد. چنانچه بنا بر گزارش سال ۱۹۹۰ بانک جهانی در مورد توسعه، میانگین درآمد سرانه در کشورهای با درآمد بالا ۲۰۱۷۳ دلار و در کشورهای کم درآمد ۳۵۳ دلار بوده است. بنابراین شکاف مطلق میان آن‌ها به ۱۹۸۲۰ دلار در سال ۱۹۹۰ رسیده بود (ساعی، ۱۳۷۵، ۶۵). در اثبات این مدعا می‌توان گفت توزیع فضایی ثروت در جهان بسیار نامتعادل است. به طوری که ۷۹/۶ درصد از ثروت جهانی به ۲۹ درصد کشور ثروتمند جهان که دارای ۱۶ درصد از جمعیت دنیا می‌باشند تعلق دارد (مطبعی لنگرودی، ۱۳۸۰، ۱۰).

شواهد نشان می‌دهد ۴۵ درصد از جمعیت جهان با روزانه دو دلار و چیزی حدود ۲۰ درصد با یک دلار و گاهی کمتر به زندگی ادامه می‌دهند. گزارش‌ها در دیگر نقاط جهان همچنین حاکی از آن است که حدود ۵۴ کشور هم‌اکنون فقیرتر از ۱۹۹۰ هستند و در ۲۱ کشور، قسمت عمده‌ای از جمعیت گرسنه‌تر شده‌اند. در ۳۴ کشور نیز، نرخ امید به زندگی پایین آمده است. هر چند آثار فقر تنها به کشورهای در حال توسعه نیز منتهی نمی‌شود. ایالات متحده ثروتمندترین کشور روی زمین و نابرابرترین کشور در میان

کشورهای ثروتمند جهان دارای سومین نرخ فقر نسبی در میان ۳۰ کشور عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است (زارعی، ۱۳۹۰، ۳).

آمارها در ایران نیز خبر از افزایش فاصله طبقاتی و قطبی شدن برخی مناطق می‌دهند. توزیع درآمد نشان می‌دهد که ۷۰ درصد درآمد کشور در اختیار چیزی نزدیک به ۳۰ درصد از اقشار مرفه جامعه است و ۳۰ درصد باقیمانده را ۷۰ درصد از اقشار متوسط و پایین جامعه در اختیار دارند. همچنین اطلاعات در مورد بودجه خانوارها نشان می‌دهد که مصرف بالاترین دهک خانوار ۲۰ برابر فقیرترین خانوار است. در حالی که این نسبت در کشورهای توسعه یافته بین ۶ تا ۱۰ و در کشورهایی همچون فلپین و اندونزی بین ۱۲ تا ۱۵ می‌باشد (همان منبع، ۴). این شکاف طبقاتی عمیق بی‌تردید محصول توسعه نامتوازن است که منجر به تسریع در روند افزایش نابرابری و گسترش روزافزون محرومیت‌ها و افزوده شدن به جامعه فقرا گردیده است.

ضرورت توجه به نابرابری که ریشه در نظام جهانی دارد و در پی بی‌توجهی به عدالت و مساوات در برخورداری از امکانات ناشی می‌شود (Vander veen, 2009, 1) از آنجا اهمیت می‌یابد که بخش مهمی از نابرابری در نهایت به فقر منتهی می‌شود و فقر مبین عدم تعادل و ناهماهنگی فضایی در دسترسی به منابع و استانداردهای زندگی است. بنابراین می‌توان عنوان نمود که در مورد جامعه مورد مطالعه پژوهش نه تنها نابرابری بلکه فقر از جدی‌ترین تهدیداتی است که می‌تواند حیات کشور را به مخاطره اندازد.

در مورد ایران برخی بر این هستند که چون آمایش و ساماندهی سرزمینی فضای جغرافیایی کشور بر مبنای نظریات سرمایه‌داری نامعقول شکل گرفته، به همین جهت مناطق کشور به صورت نامتعادل توسعه یافته است و این امر یکی از دلایل افزایش تضاد طبقاتی است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۳، ۱).

فضاهای نابرابر جغرافیایی که چشم‌انداز وسیعی در جهان سوم را به خود اختصاص می‌دهد ریشه‌های عمیق در توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهد. مادامیکه در کشور ما نیز پس از انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ بر توازن و عمران نواحی و عدم تمرکز اداری و اقتصادی تأکید شد و تلاش‌هایی در جهت توزیع عادلانه اعتبارات عمرانی در میان استان‌های کشور صورت گرفت، اما برخی آمارهای اخیر در رابطه با وضعیت صنعت و اشتغال و توسعه در استان‌های کشور هنوز از نابرابری اساسی حکایت دارند. نکته قابل تأمل آن است که علی‌رغم برنامه‌های عمرانی دولت پس از انقلاب اسلامی تغییر چندانی در توزیع قطب‌های صنعتی رخ نداده و قطب رشد یافته جدیدی در مناطق محروم و دورمانده از توسعه صنعتی بوجود نیامده است (کوه‌شکاف، ۱۳۸۴، ۷). اجرای طرح‌های ناموفق عمرانی روستایی و توزیع ناعادلانه امکانات در استان‌های کشور، که چندی را برخوردار و برخی را در فقر و محرومیت نگاه داشته، همگی از تبعات توسعه نابرابر و نامتوازن جغرافیایی است که لزوم پژوهش در این امر را ضروری می‌نماید. اگرچه این نابرابری‌ها عمدی نیست و بیشتر می‌توان توسعه نامتوازن و نامنسجم ایران را که به صورت تصادفی رخ داده است علت وقوع دانست، اما عدم بهره‌مندی از فرصت‌های مکانی برابر، منجر به ایجاد شکافی عمیق بین استان‌ها و شهرها و در پی آن مناطق روستایی کشور گردیده است که منجر به مهاجرت‌های روستاییان به شهرها و به دنبال آن حاشیه‌نشینی، افزایش جرم، فساد، فحشا و غیره شده است. از نگاهی دیگر، علاوه بر موارد مذکور محرومیت مناطق مرزی گاه می‌تواند به تمایلات تجزیه‌طلبانه نیز

بینجامد. جان کلام این که، هرچه نابرابری در یک جامعه بیشتر باشد به دنبال آن ناهنجاری‌های اجتماعی حاصل از آن نیز در جامعه

فزونی می‌یابد. این پژوهش بر آنست تا در راستای فرضیه‌های

۱- طی مقاطع مورد بررسی نابرابری جغرافیایی توسعه در مناطق روستایی استان تهران نسبت به سایر استان‌ها شدیدتر است؛

۲- نابرابری در شاخص‌های بهداشتی نسبت به سایر شاخص‌ها مشهودتر است؛

نابرابری جغرافیایی توسعه بین روستاهای مناطق مرکزی کشور را مورد تحلیل قرار دهد.

مبانی نظری

اصولاً توسعه تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود که یکی از ارکان آن جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است (فی، ۱۳۸۲، ۲). بدین لحاظ توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه‌های مهم اقتصاد سالم و پویاست که برنامه‌ریزان جهت تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت دارند (بیات، ۱۳۸۸، ۱۱۵).

توسعه را همچنین می‌توان بر حسب پیشرفت، حرکت به سوی اهداف رفاهی نظیر تقلیل فقر، بیکاری و کاهش نابرابری تعریف کرد. بنابراین زدودن فقر از جامعه و کاهش نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از اهداف توسعه و عدالت اجتماعی می‌باشند و طرفداران سیاست‌گذاران منطقه‌ای بر این باورند که با کاستن از شکاف میان مناطق می‌توان از نابرابری میان گروه‌های اجتماعی کاست (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰، ۴) هر چند نابرابری‌ها در ساختار بنیادین هر جامعه اجتناب‌ناپذیرند اما مساله در شیوه عادلانه بودن آن‌هاست (خاندوزی، ۱۳۸۴، ۱۲۰).

نابرابری که می‌توان آن را به معنای ساده عدم دسترسی مساوی به منابع و فرصت‌های یکسان تعریف کرد می‌تواند از چهار طریق اصلی تولید شود:

- محرومیت: یعنی وجود یک مانع، دسترسی به زندگی مطلوب را برای طبقات خاصی از افراد ناممکن یا حداقل دشوار می‌سازد.
 - نهادهای سلسله‌مراتب: یعنی جوامع و سازمان‌ها شکل نردبان‌هایی را به خود می‌گیرند که برخی از افراد به پله‌های بالایی آن صعود می‌کنند و برخی دیگر در پله‌های پایینی آن باقی می‌مانند.
 - بهره‌برداری: یعنی ثروت‌های ثروتمندان، از زحمت کشیدن و انقیاد فقرا و محرومین ناشی می‌شود.
 - فاصله: برخی از افراد جلوتر از دیگران حرکت می‌کنند یا برخی دیگر عقب می‌مانند. اهمیت تاریخی این مکانیسم‌ها در ترکیب-بندی دنیای مدرن به شدت محل اختلاف است. می‌توان گفت که بهره‌برداری اگرچه نفرت‌انگیزترین مولد نابرابری است، لیکن یکی از مشخصه‌های حائز اهمیت دنیای امروز است (تربورن، ۱۳۸۸، ۲۲).
- با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان این چنین گفت در صورتی که تمام افراد جامعه از امکانات یکسان برخوردار باشند عادلانه‌ترین حالت رخ داده است. در حالی پسندیده تمام ارکان دولت در تلاش است تا با به کارگیری مکانیسم‌های مختلف بتواند آن

چه را که به صورت عام توسعه نامیده می‌شود برای ساکنین خود فراهم سازد (افخاری و دارابی، ۱۳۸۵، ۲) و توسعه یافتگی جزء در سایه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر اساس معیارها و شاخص‌های عدالت اجتماعی و میزان محرومیت عمل نمی‌آید و باید اذعان داشت که توسعه نیافتگی ایران با سیستم برنامه‌ریزی توسعه در ارتباط است (افراخته، ۱۳۸۵، ۱۶۰) و تفاوت سطح برخورداری کلان شهرها و محرومیت اکثر نقاط آن، تبعات ناشی از توزیع نابرابر است.

در تشریح توسعه نامتوازن و نابرابری منطقه‌ای نظریات مختلفی وجود دارد: از جمله میردال علل نابرابری‌های ناحیه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد و آن را ناشی از عوامل خارجی می‌داند که به دلیل انگیزه سودجویی شکل گرفته و برتری اولیه و زمینه‌های تاریخی نواحی آن را شدت می‌دهد.

فرانسوا پرو، نحوه نگرش به توسعه را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله اول با سرمایه‌گذاری کلان صنعتی در نواحی بزرگ واگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود و در مرحله دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی، همگرایی و برابری ایجاد می‌شود.

جان فریدمن نیز با ارائه نظریه مرکز - پیرامون مرکز را بعنوان منشأ توسعه دانسته که با زایش توسعه در مرکز به پیرامون جریان می‌یابد.

در خصوص تحلیل و تبیین توسعه و توسعه‌نیافتگی، نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه‌های اقتصادی رشد و توسعه، نظریه جامعه شناختی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، پسا ساختارگرایی و غیره وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند (رضوانی، ۱۳۸۳). نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نئو کلاسیک از معروفترین این نظریه‌ها هستند.

- نظریات رئالیست‌ها

رئالیست‌ها نگران ماهیت نابرابر جهانی شدن اقتصاد هستند و نابرابری اقتصادی را بزرگترین تهدید امنیتی در آینده می‌دانند. آنها اعتقاد دارند که قدرتمندترین کشورها، کنترل صلح و هدایت فرآیند جهانی شدن را برعهده دارند. از این رو آن را در جهت استحکام بخشیدن به موقعیت و قدرت نسبی خود استفاده خواهند نمود. نظریه پردازان واقع‌گرا بروز مشکلات ناشی از جهانی شدن و گردش سرمایه توسط نیروهای خارج از کنترل قدرتهای مسلط بر اقتصاد بین‌الملل را فاقد اهمیت راهبردی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که در بلندمدت با دو اردوگاه برندگان و بازندگان جهانی شدن مواجه خواهیم شد.

- مکتب کینز و نئو کلاسیک

بزرگ‌ترین نابرابری، محروم کردن افراد از فعالیت آزادانه است. محدودیت کسب و کار برای زنان و اقلیت‌ها در این زمره است. گروه‌های سیاسی و حاکمان با تفویض برابری حقوق به زنان، عامدانه آنان را به افراد درجه دوم بازار آزاد تبدیل می‌کنند. قوانین ضد تبعیض و الگوی جامعه رفاه، واکنش‌هایی به این ستمکاری هستند که مانع از آن می‌شوند که ثروتمندان ثروتمندتر و تهیدستان، تهیدست‌تر شوند. این مقدمه رسیدن به عدالت است که راه آن طولانی و ناهموار می‌نماید.

- مکتب اتریش

برابری مبحثی مربوط به ریاضیات است نه علوم اجتماعی. انسان‌ها از نظر برخورداری از مواهب و فرصت‌ها نابرابرند، اما می‌توانند به آنها دست یابند. برابری و نابرابری به معنای برتر بودن و فروتر بودن نیست، بلکه صرفاً دلالت بر تفاوت‌ها دارد. همین تفاوت‌ها است که تقسیم کار را می‌آفریند و همکاری را به تنازع رجحان می‌بخشد. به نابرابری‌ها باید اندیشید، اما هیچ فرد یا دولتی حق ندارد صاحبان دارایی‌ها را از مایملک آنان محروم کند. قانون‌گذاران حق ندارند برای ایجاد برابری، قانون وضع کنند و نابرابری‌هایی را که به صورت طبیعی و در شرایط کسب و کار آزادانه ایجاد شده است برهم بزنند.

- سوسیالیست‌ها

سوسیالیست‌ها و پاره‌ای از عدالت‌طلبان مذهبی که حامیان اصلی این شیوه عدالت هستند، بر این باورند که نابرابری، محصول رفتار بی‌شرمانه سرمایه‌داری است که راه را برای بهره‌کشی دارندگان ابزار تولید از کارگران فراهم می‌آورد همه ساکنان یک جامعه از امکانات آن، سهم برابر دارند و اگر کسانی به علت ناتوانی در تحصیل مال به اندازه دیگران، از قافله جا بمانند، حکومت وظیفه دارد که فاصله دارایی آنان را با دارایی افراد برخوردار از بین برده و یا کاهش دهد.

- مکتب شیکاگو

این اشتباه بزرگی است که کسی بخواهد با سیاست‌گذاری به برابری دست یابد. زیرا قانونگذاری با هدف برابری، انگیزه کار و ترقی را در انسان‌ها می‌کشد. مجازات کردن ثروتمندان، مجازات کردن موفقیت و ابتکار است و حتی تهدیدستان از آن صدمه می‌بینند. برابری مشروع، برابری در فرصت‌ها است. این حقی است که هر انسانی به اعتبار انسان بودنش مستحق بهره‌مندی از آن است. به همین علت دولت‌ها باید بکوشند فرصت‌های برابر را برای شهروندان تدارک ببینند.

پیشینه تحقیق

با عنایت به عنوان پژوهش که تحلیل نابرابری جغرافیایی توسعه در مناطق روستایی مرکزی را در دستور کار خود قرار داده است و ماهیت تحقیق که سابقه چندانی در این باره یافت نمی‌شود سعی بر این است که موارد مرتبط و نزدیک با موضوع تحقیق در این مبحث گنجانده شود. در مورد نابرابری در سطح جهان مطالعات و تحقیقات زیادی انجام گرفته است که مبین اهمیت فراوان موضوع است.

در پژوهشی در مصر، نویسنده ضمن پرداختن به پیامدهای نابرابری روستا-شهری، معتقد است بهره‌مندی بیشتر شهرها نسبت به روستاها مهاجرت به شهرها را تشدید بخشیده است (Mc Cormick and Wahaba, 2003:500-532).

در یک بررسی دیگر نویسنده عنوان می‌کند: همچنان که در عرصه سیاسی، نابرابری به طور مدام در حال افزایش است، در کشورهای مناطق در حال توسعه، این نابرابری فضایی با کمک به رشد نابرابری بین فردی به سرعت در حال رشد است (Kanbur and Venables, 2003: 1).

در یک اثر تحقیقی محقق نشان می‌دهد که آسیا نیز پس از آفریقا از نابرابری بالایی برخوردار است و تعداد مردم فقیر جنوب آسیا را بیش از ۱۰۰ میلیون نفر ذکر می‌کند. همچنین طبق آمار بانک جهانی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ عنوان می‌کند که تعداد زیادی از مردم در جهان یعنی قریب به دو میلیارد و هفتصد به دو میلیارد و هشتصد میلیون با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی خود را می‌-

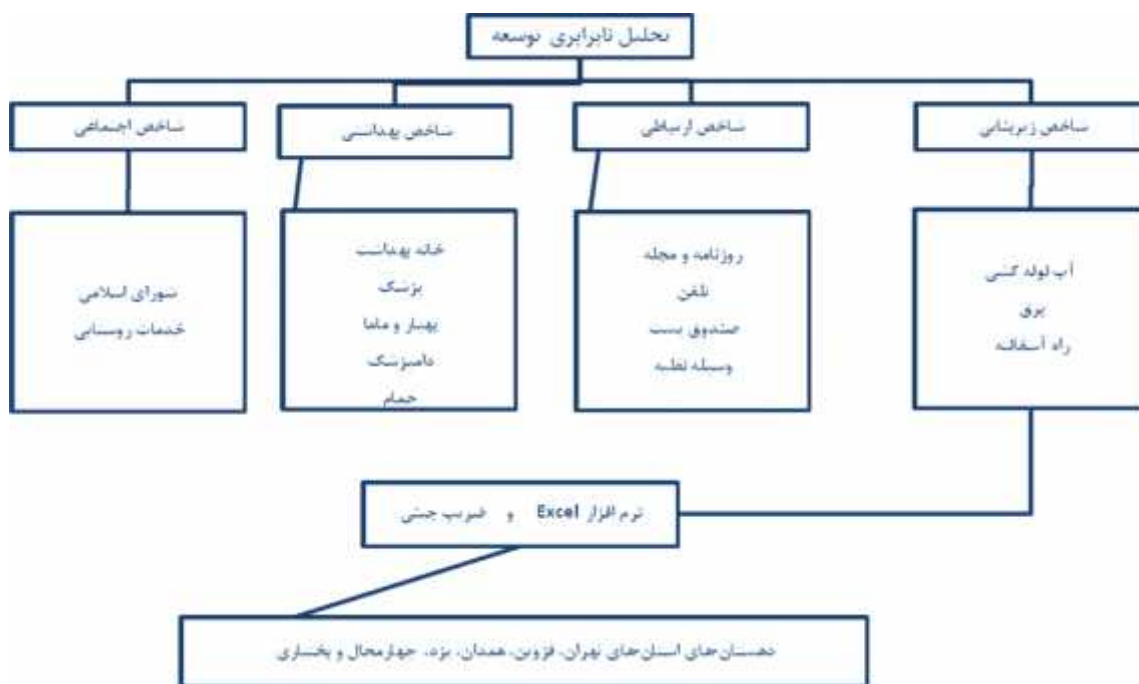
گذرانند (6: Kanbur, 2004). در مقاله‌ای نابرابری فضایی گونه‌ای از نابرابری معرفی می‌شود که اشاره به توزیع نابرابر درآمد و یا سایر متغیرهای مختلف در سراسر مکان‌های فضایی دارد (5: Kanbur and et al, 2005). همچنین در مطالعه نابرابری در ویتنام ضمن ارائه شواهد بسیاری از نابرابری مصرف شهری روستایی، نویسنده اولویت و استراتژی اصلی دولت ویتنام برای رسیدن به توسعه را بستن شکاف شهری روستایی برمی‌شمرد (1: Le and Booth, 2010).

در ایران نیز مسئله نابرابری از اهمیت زیادی برخوردار بوده به طوری که تحلیل‌های آماری در یک پژوهش نشان می‌دهد (در ۳ مقوله درآمد، ثروت و رفاه) روستاها تفاوت معنی‌داری نسبت به هم دارند. مطالعات همچنین مبین این است که علیرغم سیاست‌های توزیعی نابرابری‌ها در تمام روستاها خصوصاً روستاهایی با حداکثر برنامه توسعه روستایی بیشتر بوده است (شکوری، ۱۳۸۰، ۶۳). همچنین نتایج مطالعه‌ای نشان می‌دهد که فقر روستایی در طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۶۱ کاهش ولیکن میزان نابرابری افزایش یافته است (فهرستی ثانی و صالح، ۱۳۸۱، ۱۹-۱).

در یک بررسی در مورد ارزیابی معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری مشخص گردید که توزیع ناعادلانه درآمد و شکاف فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳، ۱۶۴-۱۳۷). همچنین یک بررسی دیگر در بخش خدمات و رفاه اجتماعی در سال ۸۳ نشان می‌دهد که تنها ۱۰ استان توسعه یافته در کشور وجود داشته است. در حالی که ۱۵ استان نسبتاً توسعه یافته و ۵ استان کمتر توسعه یافته و ۴ استان توسعه نیافته بوده و ضریب شدت نابرابری به میزان ۷۳/۶۲ درصد افزایش یافته است (مولایی، ۱۳۸۶، ۲۵۱). پژوهشی نیز، نابرابری در ایران را مقارن با قرارداد نفتی ۱۹۲۳ و گسترش صنایع مختلف و تاسیسات زیربنایی مستقر در شهرها می‌داند که موجبات استثمار کشاورزان و روستاییان به نفع شهرنشینان توسط حکومت رضاخان در این دوره فراهم نموده است (سلیمی‌فر و نوروزی، ۱۳۸۷، ۴۳).

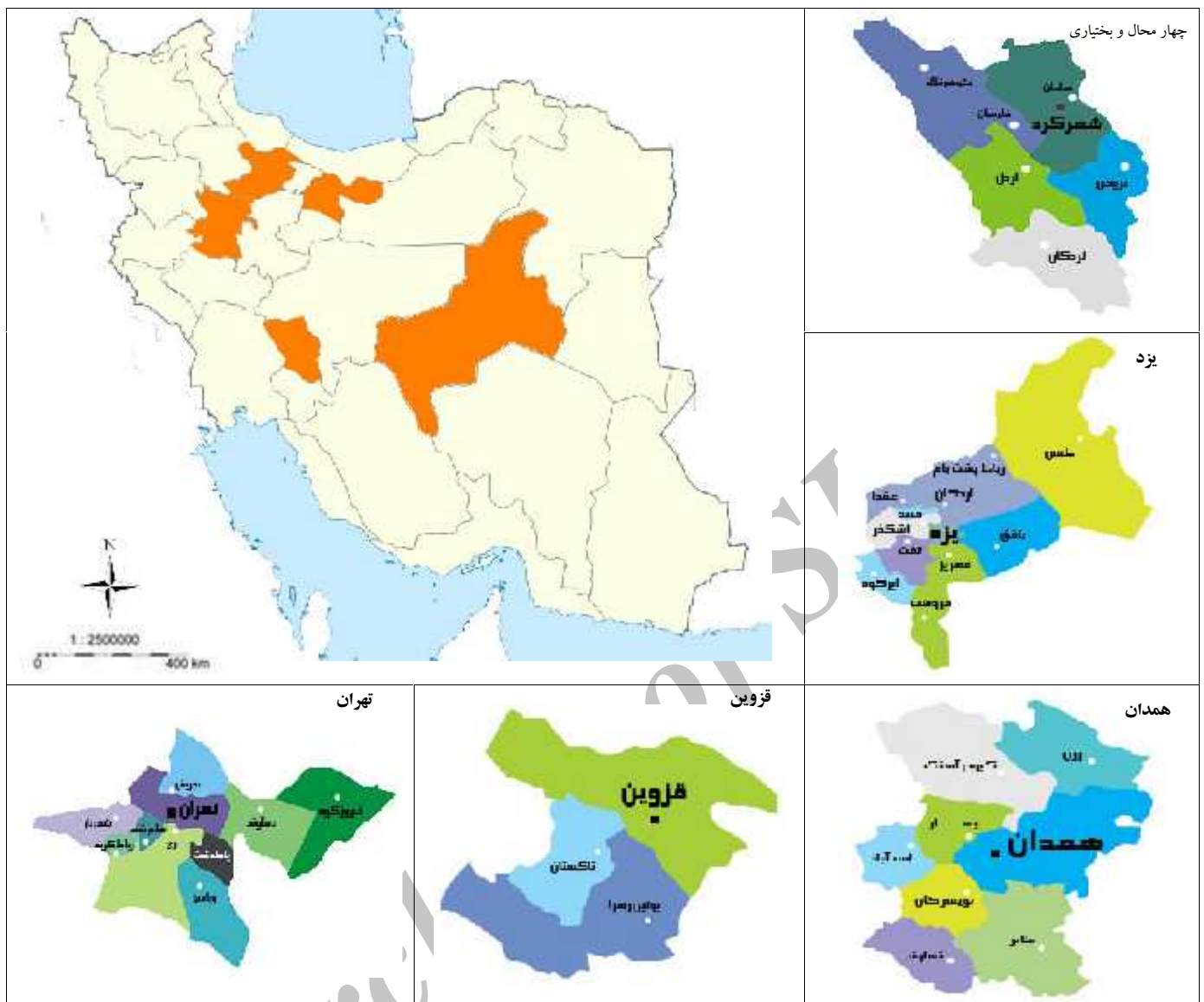
مواد و روش‌ها

این پژوهش سعی دارد با توجه به منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و مقالات علمی مرتبط با موضوع پژوهش و با مطالعه داده‌های رسمی موجود در آمارنامه‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵ و با استفاده از نرم‌افزار آماری Excel و ضریب جینی، به بررسی و تحلیل نابرابری فضاهای جغرافیایی در دهستان‌های مناطق مرکزی کشور بعنوان محدوده مورد پژوهش پردازد.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق. منبع: نگارندگان

در راستای عینیت بخشیدن به اهداف این بررسی، مجموعاً ۵ استان در قالب استان های مرکزی به طور نمونه برای انجام این تحقیق به صورت تصادفی انتخاب گردیده اند. در همین راستا، ۸۳ دهستان از استان های تهران، قزوین، همدان، یزد و چهارمحال به عنوان استان های مرکزی، با توجه به دارا بودن خصوصیات جامعه آماری مدنظر، برای این مطالعه انتخاب گردیده اند (شکل ۲).



شکل شماره ۲- استان‌های مرکزی مورد مطالعه در پژوهش

روش مطالعه در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، روش نمونه‌گیری سیستماتیک تصادفی و ابزار جمع‌آوری داده‌های رسمی آماری سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ می‌باشد.

مدلی که برای سنجش شاخص نابرابری در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتست از: ضریب جینی، که یکی از پرکاربردترین شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری است و ارتباطی تنگاتنگ با منحنی لورنز دارد که در اوایل قرن بیستم معرفی شده است (قاسمی، ۱۳۸۸، ۱). از ضریب جینی برای بدست آوردن میزان نابرابری و توزیع امکانات در بین مناطق مختلف کشور، استان و سرزمین می‌توان استفاده نمود. مقدار این شاخص هر چقدر به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده توزیع بهینه و متعادل امکانات در بین مناطق است. مقادیر بزرگتر نشان‌دهنده تمرکز امکانات در مناطق خاص و نابرابری بیشتر در توزیع آن است. ضریب جینی از رابطه زیر بدست می‌آید (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ۲۶۱).

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2[ny_1 + (n-1)y_2 + \dots + y_n]}{n^2 \times \bar{Y}} \quad y_1 < y_2 < \dots < y_n$$

برابر است با ضریب جینی

تعداد مناطق

میانگین شاخص مورد نظر

یافته‌ها

این پژوهش در نظر دارد با بررسی منابع مستند و معیارهای موجود در آمار نامه‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و اطلاعات سازمان مرکز آمار ایران و همچنین اندازه‌گیری ضریب جینی، چهار شاخص امور زیربنایی (متغیرهای دسترسی به راه آسفالت، آب لوله‌کشی، برق)، ارتباطی (متغیرهای صندوق پست، روزنامه و مجله، تلفن، وسیله نقلیه عمومی)، اجتماعی (متغیرهای مرکز خدمات روستایی و شورای اسلامی) بهداشتی (متغیرهای دسترسی به حمام عمومی، خانه بهداشت، مرکز بهداشتی، پزشک، دامپزشک، بهیار و مامای روستایی) را در مناطق مورد مطالعه تجزیه و تحلیل نماید. در راستای رهیافتی منطقی برای رد یا تأیید فرضیات تحقیق وضعیت نابرابری در استان‌های مرکزی در سال‌های ۶۵، ۷۵ و ۸۵ بطور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- سال ۱۳۶۵

در تحلیل ابعاد شاخص‌های ذکر شده در سال ۶۵ در مناطق مرکزی، استان چهارمهرال و بختیاری در بین مولفه‌های بررسی شده بیشترین ضریب نابرابری را در مناطق روستایی در عدم دسترسی متعادل به خطوط تلفن با ۰/۴۸ داشته است. پس از عدم دسترسی به دامپزشک با ۰/۴۳، شورای اسلامی ۰/۴۲ و وسیله نقلیه عمومی ۰/۳۷ قرار داشته‌اند. همچنین کمترین میزان نابرابری در دسترسی به روزنامه و مجله با ۰/۱۷ بدست آمده است. در استان تهران یافته‌ها گواه این مطلب است که بیشترین ضریب نابرابری در دسترسی به پزشک عمومی در مناطق روستایی با ۰/۵۵ و سپس عدم توزیع متعادل بهیار و مامای روستایی با ضریب ۰/۴۳ بوده است. عدم دسترسی متوازن به راه آسفالت با ۰/۴۳ و مراکز بهداشتی با ۰/۴۲ از دیگر مشکلات عدیده روستائینان بوده است. گفتنی است که مراکز خدمات روستایی کمترین میزان نابرابری را با ۰/۲۸ به خود اختصاص داده‌اند.

در مناطق روستایی استان قزوین نابرابری در دسترسی به روزنامه و مجله و تلفن با ۰/۵۰ بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است. دسترسی به برق نیز از نابرابری شایانی برخوردار است و به ۰/۴۵ رسیده است. مادامیکه دسترسی به آب لوله‌کشی با مطلوب‌ترین میزان برخوردار است ۰/۰۱ در میان روستائیان بوده است.

در استان قزوین همچنین دسترسی به پزشک با ۰/۵۷ و دسترسی به بهیار و ماما در بین مردم روستایی با ۰/۵۳ بیشترین ضریب را به خود اختصاص داده است. ضریب نابرابری در دسترسی به خانه بهداشت نیز ۰/۴۹ بدست آمده است. این در حالی است که دسترسی به وسیله نقلیه با ضریب جینی ۰/۲۶ بهترین وضعیت را در میان سایر مولفه‌ها داشته است.

یافته‌ها در مورد استان یزد نیز نشان می‌دهد مناطق روستایی این استان بیشترین میزان نابرابری را در دسترسی به دامپزشک با ۰/۵۹ و سپس وسیله نقلیه عمومی با ۰/۵۱ دارا بوده‌اند. کمترین میزان نابرابری نیز با ضریب ۰/۲۱ به بهیار و مامای روستایی تعلق داشته است. سایر موارد نیز در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱: ضریب جینی در برخورداری از خدمات و امکانات در استان‌های مرکزی در سال ۱۳۶۵

استان	راه آسفالت	آب ولوله کشی	برق	حمام عمومی	مرکز بهداشت	خانه بهداشت	پزشک	بیمار و ماما	دامپزشک	روستا شورای اسلامی روستایی	شرکت تعاونی روستایی	صندوق پست عمومی	وسيله نقلیه	روزنامه و مجله
چهارمحال و بختیاری	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۴۳	۰/۲۹	۰/۴۲	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۴۸	۰/۳۷
تهران	۰/۴۴	۰/۳۲	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۴۲	۰/۲۹	۰/۵۵	۰/۴۱	۰/۵۳	۰/۴۱	۰/۲۸	۰/۴۱	۰/۳۶	۰/۳۲
قزوین	۰/۳۸	۰/۰۱	۰/۴۵	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۸
همدان	۰/۳۸	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۳۸	۰/۴۹	۰/۵۷	۰/۴۳	۰/۵۳	۰/۲۶	۰/۳۹	۰/۳۴	۰/۲۸	۰/۲۶
یزد	۰/۴۷	۰/۴	۰/۴۶	۰/۴۴	۰/۴۸	۰/۳۵	۰/۲۹	۰/۵۹	۰/۲۱	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۵۱

۲-۱- سال ۷۵

ارزیابی داده‌ها در مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد ضریب جینی بهیار و مامای روستایی و نابرابری دسترسی به شورای اسلامی با ۰/۴۴ بیشترین رقم در این مقطع را در استان به خود اختصاص داده‌اند. مرکز خدمات روستایی نیز با ۰/۱۸ نسبت به سایر فاکتورها وضعیت بهتری را داشته است.

پراکنش امکانات و خدمات در استان تهران نشان می‌دهد که ضریب نابرابری در دسترسی به روزنامه و مجله و پزشک در بین روستاییان به ترتیب با ۰/۴۲ و ۰/۴۱ بیشترین رقم را به خود اختصاص داده‌اند. در نقطه مقابل روستاها در دسترسی به حمام عمومی با ضریب ۰/۱۸ کمترین نابرابری را در میان خود داشته‌اند.

استان قزوین در این سال، بیشترین ضریب نابرابری را در دسترسی به روزنامه و مجله و راه آسفالت در نقاط روستایی به ترتیب با ۰/۵۰ و ۰/۳۲ تجربه کرده است و کمترین میزان نابرابری را در دسترسی به دامپزشک و شورای اسلامی داشته است.

دسترسى نابرابر در روستاهای استان همدان به دامپزشک با ۰/۶۸ بیشترین مقدار و دسترسی به خانه بهداشت با ۰/۲۶ کمترین ضریب نابرابری را در سال ۷۵ به خود اختصاص داده‌اند. در استان یزد بیشترین ضریب نابرابری به ترتیب در دسترسی به دامپزشک و وسیله نقلیه عمومی با ۰/۴۹ و ۰/۳۶ و کمترین ضریب نابرابری را دسترسی به بهیار و ماما با ۰/۱۸ شامل شده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول ۲: ضریب جینی در برخورداری از خدمات و امکانات در استان‌های مرکزی در سال ۱۳۷۵

استان	راه آسفالت	آب ولوله کشی	برق	حمام عمومی	مرکز بهداشت	خانه بهداشت	پزشک	بیمار و ماما	دامپزشک	روستا شورای اسلامی روستایی	شرکت تعاونی روستایی	صندوق پست عمومی	وسيله نقلیه	روزنامه و مجله
چهارمحال و بختیاری	۰/۲۲	۰/۳۲	۰/۳۱	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۲۸	۰/۱۳	۰/۴۴	۰/۳۰	۰/۴۴	۰/۱۸	۰/۳۱	۰/۳۸	۰/۳۳
تهران	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۲۲	۰/۴۱	۰/۳۶	۰/۳۷	۰/۲۳	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۳۱	۰/۴۲
قزوین	۰/۳۷	۰/۲۲	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۲۶	۰/۱۶	۰/۲۳	۰/۱۳	۰	۰/۰۱	۰/۳۲	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۰۵
همدان	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۳	۰/۲۶	۰/۳۵	۰/۲۷	۰/۶۸	۰/۳	۰/۳۶	۰/۳۷	۰/۳۶	۰/۵۷
یزد	۰/۲	۰/۳	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۱۸	۰/۴۹	۰/۲۸	۰/۲۱	۰/۲۷	۰/۳۶	۰/۲۹

در این مقطع در استان چهارمحال و بختیاری بیشترین ضریب نابرابری در دسترسی به روزنامه و مجله در ۰/۴۹ و پس از آن نابرابری در دسترسی به دامپزشک با ۰/۳۷ قرار دارد. کمترین ضریب نابرابری در دسترسی به صندوق پست با ۰/۰۳ و مرکز بهداشتی ۰/۱۵ بدست آمده است. نابرابری در دسترسی به بهیار و ماما با ۰/۵۲ و پزشک با ۰/۴۳ بیشترین ارقام را در مناطق روستایی استان تهران به خود اختصاص داده‌اند. کمترین ضریب را نیز مولفه‌های شورای اسلامی روستا و مرکز بهداشتی به ترتیب با ۰/۲۷ دارا بوده‌اند. مناطق روستایی قزوین نابرابری بالای را در اکثر شاخص‌ها در سال ۸۵ به خود می‌بیند. به طوری که ضریب جینی ۰/۹۰ در سه مولفه دسترسی به دامپزشک، شرکت تعاونی روستایی و روزنامه و مجله حاصل شده است و پس از آن نیز دسترسی به پزشک و بهیار و مامای روستایی بیشترین نابرابری را با ۰/۸۸ به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین توزان نیز در دسترسی به آب لوله‌کشی و وسیله نقلیه عمومی با ۰/۶۷ بدست آمده است. در روستاهای استان همدان بیشترین نابرابری در دسترسی به دامپزشک با ۰/۶۲ و کمترین ضریب نابرابری در مرکز بهداشتی و خانه بهداشت با ۰/۲۷ بوده است. در استان یزد نیز بیشترین نابرابری در دسترسی به دامپزشک با ۰/۴۷ حاصل شده است. کمترین نابرابری نیز در دسترسی به آب لوله‌کشی و صندوق پستی با ۰/۲۲ بدست آمده است (جدول ۳).

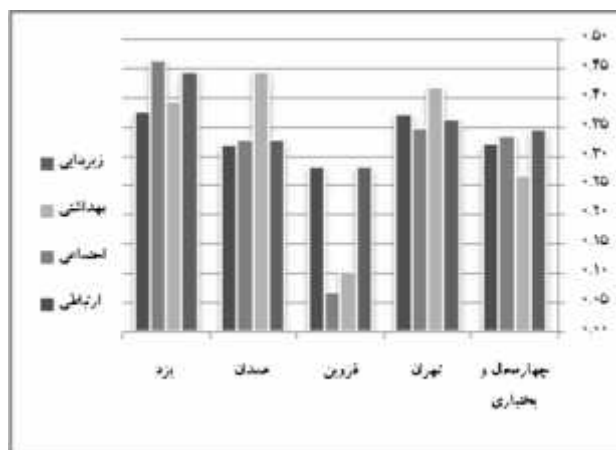
جدول ۳: ضریب جینی در برخورداری از خدمات و امکانات در استان‌های مرکزی در سال ۱۳۸۵

استان	راه آسفالته	آب لوله‌کشی	بوف	تلفن عمومی	مرکز بهداشت	خانه بهداشت	پزشک	بهیار و ماما	دامپزشک	روستا	شورای اسلامی روستایی	شرکت تعاونی	صندوق پست	وسيله نقلیه	روزنامه و مجله
چهارمحال و بختیاری	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۳۷	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۰۳	۰/۲۶	۰/۴۹	
تهران	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۴۳	۰/۵۲	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۳۸	
قزوین	۰/۷۲	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۷۴	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۷۲	۰/۹۰	۰/۸۷	۰/۲۷	۰/۹۰	
همدان	۰/۳۴	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۳۷	۰/۶۲	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۴۸	
یزد	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۵	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۴۷	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۴۱	۰/۳۴	

بحث و نتیجه‌گیری

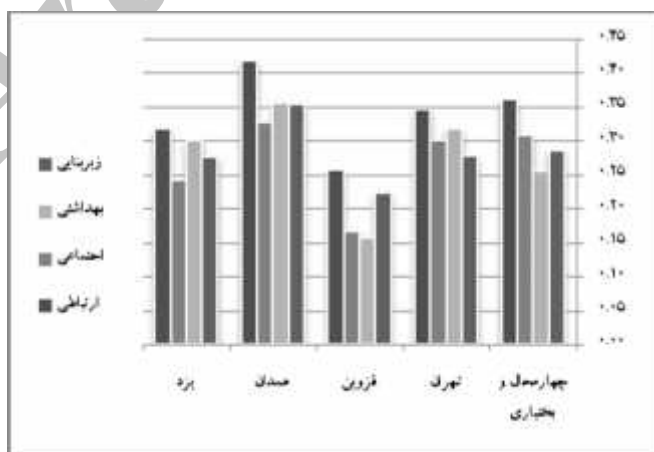
در این قسمت با استفاده از مولفه‌های ۱۴ گانه‌ای که برای پژوهش استفاده شده است فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. در بررسی اولین فرض که "طی مقاطع مورد بررسی نابرابری جغرافیایی توسعه در مناطق روستایی استان تهران نسبت به سایر استان‌ها شدیدتر است" نتایج نشان می‌دهد که در سال ۶۵ بیشترین نابرابری با ۰/۴۲ مربوط به استان یزد است. تهران نیز در همین سال با ضریب نابرابری ۰/۳۸ در رده بعدی قرار دارد. همچنین همدان با ۰/۳۶، چهارمحال با ۰/۳۲ و قزوین با ضریب ۰/۱۸ از کمترین نابرابری بهره‌مند بوده است. در سال ۱۳۷۵ نیز شواهد نشان از دارا بودن بیشترین ضریب نابرابری به استان همدان با ۰/۳۶ است. تهران در همین سال ۰/۳۱، چهارمحال ۰/۳۰، یزد ۰/۲۸ و کمترین ضریب جینی در مناطق روستایی استان قزوین با ۰/۲۰ بدست آمده است. در سال ۱۳۸۵ نیز طی یافته‌های پژوهش بیشترین نابرابری مربوط به استان قزوین با رقم بالای ۰/۷۹ بوده است. همچنین همدان و تهران با ۰/۳۳، یزد با ۰/۳۰ و استان چهارمحال با کمترین عدم تعادل در مناطق روستایی نسبت به سایر استان‌ها، ضریبی معادل ۰/۲۰ را دارا بوده است. بر همین اساس فرضیه اول رد می‌شود.

در آزمون فرض دوم تحقیق که "نابرابری در شاخص‌های بهداشتی نسبت به سایر شاخص‌ها مشهودتر است" نتایج حاصله از داده‌های بررسی شده چهار شاخص پژوهش (زیربنایی، بهداشتی، ارتباطی و اجتماعی) نشان می‌دهد طی سال ۱۳۶۵ بیشترین ضریب نابرابری مربوط به شاخص‌های اجتماعی در مناطق روستایی استان یزد است. این در حالیست که بالاترین ضریب جینی در شاخص بهداشتی در استان همدان با ۰/۴۵ بدست آمده است و همچنین در شاخص‌های زیربنایی و ارتباطی بیشترین نابرابری به ترتیب در استان یزد با ۰/۴۴ و ۰/۳۸ حاصل شده است (شکل ۳).



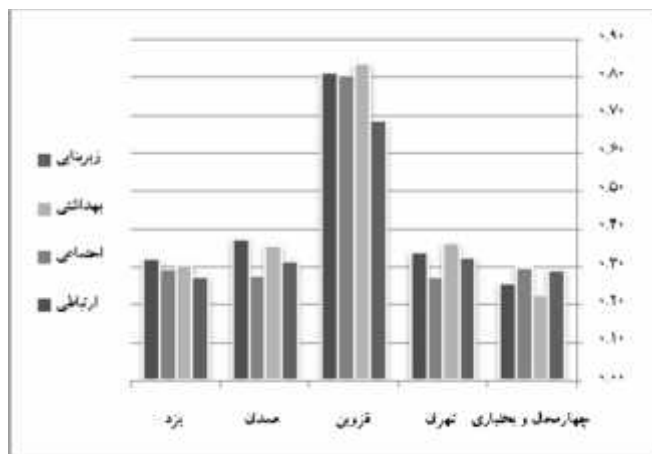
شکل ۳- مقایسه ضریب جینی شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی، ارتباطی و اجتماعی در استان‌های مرکزی در سال ۱۳۶۵

در تحلیل اطلاعات سال ۷۵ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بیشترین ضریب جینی به شاخص ارتباطی با ۰/۴۲ به مناطق روستایی استان همدان تعلق دارد. پس از آن به ترتیب مقادیر شاخص‌های بهداشتی، زیربنایی و اجتماعی با ۰/۳۶، ۰/۳۵ و ۰/۳۳ همگی در استان یزد قرار داشته‌اند (شکل ۴).



شکل ۴- مقایسه ضریب جینی شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی، ارتباطی و اجتماعی در استان‌های مرکزی در سال ۱۳۷۵

برآوردها در بازه زمانی ۱۳۸۵ مبین این مطلب است که استان قزوین با ضریب نابرابری بسیار بالایی که طی این سه دهه بی سابقه است بیشترین نابرابری‌ها را در این مقطع نسبت به سایر استان‌های مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. به طوری که بالاترین ضریب را با ۰/۸۴ در شاخص بهداشتی و پس از آن با ۰/۸۱ شاخص‌های ارتباطی و اجتماعی و ۰/۶۹ در شاخص امور زیربنایی، را در بین روستاهای خود داشته است (شکل ۵).



شکل ۵- مقایسه ضریب جینی شاخص‌های زیربنایی، بهداشتی، ارتباطی و اجتماعی در استان‌های مرکزی در سال ۱۳۸۵

بنابراین با استناد به نتایج بدست آمده فرضیه دوم را نیز باید رد کرد. چرا که در همه این ادوار به جز سال ۸۵، شاخص‌های ارتباطی و اجتماعی ضریب نابرابری بیشتری را در مقاطع ۶۵ و ۷۵ دارا بوده‌اند.

نتایج بدست آمده از محاسبات این شاخص‌ها طی سه دهه نشان می‌دهد که بیشترین دسترسی به امکانات مربوط به استان‌های تهران و یزد بوده است و اگرچه میانگین دسترسی در سال ۶۵ و ۷۵ بین استان‌های مورد مطالعه بسیار زیاد بوده است اما در سال ۸۵ تا حدودی بهبود یافته. هر چند بین استان برخوردار یزد با مناطق روستایی استان قزوین در همین سال بیش از ۲ برابر تفاوت در میانگین دسترسی به امکانات بوده است.

نتایج ناشی از تحلیل یافته‌ها در مقاطع ۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵ گویای این مطلب است که عدم تعادل در توسعه نامتوازن کشور از مناطق استانی به مناطق شهری و روستایی نیز رسوخ پیدا کرده است و این امر نیازمند بازنگری و برنامه‌ریزی منسجم مسئولین در راستای تحقق عدالت اجتماعی و دسترسی یکسان به فرصت‌ها بین آحاد جامعه می‌باشد. در تبیین جغرافیایی نابرابری در دسترسی به خدمات، می‌توان از مؤلفه‌های اقلیم، موقعیت (دوری و نزدیکی به مرکز، پایتخت) و همچنین جمعیت که منجر به عدم توازن بین دسترسی به خدمات و قشر ساکن در این استان‌ها گردیده است نام برد که روند توسعه نامتعادل را تسریع بخشیده است. باید عنوان نمود که در توسعه نابرابر جغرافیایی، جغرافیای فرهنگی و اجتماعی هر منطقه نیز می‌تواند در ایجاد نابرابری نقش موثری داشته باشند.

با توجه به یافته‌ها و نتایج تحقیق باید اذعان نمود رسالت علم جغرافیا که یافتن نوعی سازمان‌دهی فضایی جهت بهبود وضعیت مناطق محروم، رسیدن به رفاه و دستیابی به توسعه پایدار در پهنه سرزمینی است جزء با مشارکتی همگانی و سازماندهی مجدد راهبردها

جهت رفع نابرابری‌ها، تناقضات و همساز کردن مجموعه روستایی بعنوان زیربنای اصلی توسعه پایدار با اهداف بخشی و کلان محقق نخواهد شد.

منابع

۱. افتخاری، ر و دارابی، ح. (۱۳۸۵). نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی. نمونه ناحیه کاشان. **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، ۸۳: ۱۴۴۰-۱۴۲۲.
۲. افراخته، ح. (۱۳۸۵). نقش ادراک محیطی در توسعه‌یافتگی روستایی: مورد شهرستان فومن. **مجله جغرافیا و توسعه**: ۲۰-۱.
۳. بیات، م. (۱۳۸۸). سنجش توسعه‌یافتگی روستاهای بخش کوار شهرستان شیراز با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، **فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، شماره ۳۳، ۱۳۱-۱۱۳.
۴. پاپلی‌یزدی، م. (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و توسعه کاربرد فلسفه و ایدئولوژی در آمایش سرزمین. **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، ۷۴: ۲۹-۱.
۵. پورعزت، ع. (۱۳۸۵). طراحی و تبیین سیستم خط مشی گذاری حق‌مداری برای عدالت اجتماعی، بر اساس نهج‌البلاغه، **دانشورفتار**، ۱۷: ۵۶-۳۱.
۶. تربون، گک. ۱۳۸۸. فقر و نابرابری، **ماهنامه سیاحت غرب**، شماره ۷۸، ۲۱-۲۸.
۷. حکمت‌نیا، ح و موسوی، م. (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، **علم نوین**، ۳۲۰ ص.
۸. خاکپور، ب و باوان پوری، ع. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مشهد، **مجله دانش و توسعه**، شماره ۲۷، ۱۸۲-۲۰۲.
۹. خاندوزی، ا. (۱۳۸۴). واقع‌گرایی نظریه عدالت در اقتصاد اسلامی، **اقتصاد اسلامی**، ۱۷: ۱۳۴-۱۱۳.
۱۰. رضوانی، م. (۱۳۸۳). تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، **پژوهش‌های جغرافیایی**، ۳۶: (۵۰): ۷۵-۸۶.
۱۱. زارعی، ی. (۱۳۹۰). "مقیاسه تطبیقی ابعاد نابرابری بین روستاهای مرزی و مرکزی ایران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملی زابل.
۱۲. ساعی، ا. (۱۳۷۵). **درآمدی بر شناخت مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، سیاست، قدرت، نابرابری**. تهران: نشر قومس.
۱۳. سلیمی‌فر، م و نوروزی، ر. (۱۳۸۷). روند تغییرات نابرابری‌های اقتصادی در مناطق شهری و روستایی ایران (۲۰۰۶-۱۹۷۶). **مجله دانش و توسعه**. شماره ۲۴. ۳۹-۶۲.
۱۴. شکوری، ع. (۱۳۸۰). پژوهشی در روند توسعه و نابرابری در مناطق روستایی. **پژوهش‌های جغرافیایی**. شماره ۴۱. ۵۳-۶۹.
۱۵. شکویی، ح. (۱۳۷۷). **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، چاپ سوم، تهران، سمت، ۴۵۰ ص.
۱۶. طرازکار، م و زیبایی، م. (۱۳۸۳). بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری مطالعه موردی استان‌های فارس، اصفهان، سمنان، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، ۴۸: ۱۶۴-۱۳۷.
۱۷. علی‌خانی، ع. (۱۳۸۶). برابری و نابرابری سیاسی در اندیشه سیاسی امام علی (ع). **پژوهشنامه علوم سیاسی**، ۱ (۹): ۶۷-۸۹.
۱۸. فهرستی‌ثانی، م، صالح، ا و سلامی، ح. (۱۳۸۱). **بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران با تأکید بر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت**، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی: ۱۹-۱.
۱۹. فنی، ز. (۱۳۸۲). **شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای**، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۰. قاسمی، م. (۱۳۸۸). **ضریب جینی مستمری‌های پرداختی صندوق بازنشستگی کشوری و جایگاه اقتصادی مستمری بگیران آن در کشور طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۱**، واحد مطالعات و تحقیقات بیمه‌ای موسسه حسابرسی صندوق بازنشستگی کشوری، ۲۴-۱.
۲۱. کوه‌شکاف، ن. (۱۳۸۴). جغرافیای توسعه و جغرافیای قومی، در برنامه‌های عمرانی دولت، **فصلنامه گفتگو**، ۴۳: ۱۲-۱.
۲۲. مرصوصی، ن. (۱۳۸۳). توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، **پژوهش‌های اقتصادی**، ۱۴: ۳۰-۱۹.
۲۳. مطیعی‌لنگرودی، ح. (۱۳۸۰). راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**. ۱۴-۱.
۲۴. مولایی، م. (۱۳۸۶). مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۷۳ و ۱۳۸۳. **فصلنامه رفاه اجتماعی**. شماره ۲۴. ۲۴۱-۲۵۶.

25. Kanbur, R., Venables, A and Wan WIDER, G. 2005. **Spatial Inequality and Development in Asia**, Review of Development Economics, Vol. 9, pp. 1-4, February.

26. Kanbur, R (2004), **Growth, Inequality and Poverty: Some Hard Questions**. Revised version published in Journal of International Affairs. vol 58. 223-233.

27. Kanbur, R and Venables, A. 2003. **Spatial Dimensions of Development and Inequality in Africa: Editorial Introduction to a Special Issue of the Journal of African Economies**, Revised version published in Journal of African Economies, 1-3
28. Le, H and Booth, A. (2010), **Urban-Rural Living Standard Inequality in Vietnam, 1993-2006**, 7th Midwest International Economic Development Conference ,April 16-17, 2010 McNamara Alumni Center , University of Minnesota, USA. 1- 69.
29. McCormick, B., and Wahba, J. (2003), **Return International Migration and Geographical Inequality: The Case of Egypt**. Journal of African Economies,12 (4): 500-532.
30. Van der Veen, M. (2009), **Globalization and Distributive Justice**. International Relations: 1-9.

Archive of SID

Inequality of analysis in the development geographical spaces between Iran Central Rural Regions

Abstract

Geographically uneven spaces allocated a large percentage of land in developing countries. One of the consequences of unequal and uneven development is undoubtedly rooted in the unequal distribution of resources, a lack of playing opportunities. Is that it can lead to a split between the counties, cities and even rural areas of the country. It appeared to be a consequence of poverty, migration rural - urban and marginalization, increased crime, corruption, prostitution, followed. This paper deals with the geographical analysis of inequalities in rural areas of Central Iran using scientific papers, books and documents related to the investigation by a cross-sectional. Provinces of Tehran, Qazvin, Hamedan, Yazd and Demographic information and sample information collected have been selected by systematic sampling from 83 villages to examine the target population to be sampled and analyzed using the Gini coefficient model changes during different years 1365, 1375 and 1385. Indicate that the findings in the rural areas of Yazd province inequality spaces geographic sections 65 and 0/42, in section 75, in rural areas of Hamadan with 0/36 and in 1385 had the highest rates of inequality in the villages in Qazvin province is equal to with 0/79. Shows the results of the indicators, the indicators of social inequality in 1365, the highest rate in 75 years in the communications parameters have been observed in 1385, the largest imbalance access to health services.

Key word: Geographical inequalities, Development, Central Rural Region.

Archive of SID